

گره‌ها و آدم‌ها

محمد قاهد

mGhaed@lawhmag.com

قهوه‌خانه‌داری اداره می‌شود، محیطی نادلپذیر و کپی چرکی است از چیزی که گرداننده‌اش نه تصویری دقیق از آن دارد و نه همت رسیدن به آن.

گرداننده رستوران، چه در شهر و چه وسط صحرا، به طور طبیعی معیارهای پاکیزگی و اصول زیبایی‌شناسی خانه خود را در محل کسب تکرار می‌کند. راه چاره همان است که در هتلهای بزرگ به کارکنان می‌آموزند: کاری که در خانه خودتان انجام می‌دهید به جای خود محترم، اما تولید غذا و ارائه خدمات در این مکان طبق مندرجات کتابچه‌ای است که به شما تدریس می‌شود و لاغیر.

در ایران هم مانند همه جای دنیا، در هتل بزرگ به عنوان مؤسسه‌ای با قرار و قاعده جهانی، فرد متصدی چنانچه طرز زندگی شخصی در محیط خانه خویش را تکرار کند شغلش را از دست می‌دهد. بنابراین، اساس ساختمان و طرز کار مجتمع بین‌راهی هم باید طبق ضوابطی غیرشخصی و استاندارد باشد تا قهوه‌خانه قنبر به نمونه‌ای مینیاتوری از هتل چهارستاره ارتقا یابد — البته نه فقط از نظر ارقام صورتحساب، بلکه در اصول و تکنیک.

ساختمانها در ایران حتی هنگام تحویل به کارفرما نینمادار به نظر می‌رسند زیرا سرهم‌بندی شده‌اند و فرض بر این است که جنس به محض خرید شده‌اند همانی نخواهد ماند که پشت و پیرترین بود. تعجبی ندارد از اجزای کمتر ساختمانی پس از چند سال به همان شیوه روز اول استفاده می‌شود. سفارش دادن طراحی و اجرای تعدادی مجتمع بین‌راهی به سازندگانی از جاهای دیگر دنیا می‌تواند الهام‌بخش همکاران آنها در ایران باشد تا ببینند معنی واقعی کار تمام‌شده و اتمام کار چیست.

اما باید دید پس از چند سال این بنا در چه شکلی است و چگونه از اجزای آن استفاده می‌شود. با توجه به طرز فکر ایرانی، دشوار بتوان به افراد حالی کرد قدیمی شدن ساختمان غیر از کهنه شدن، و کهنگی غیر از اندراس است. می‌توان از تشویق کمک گرفت: در بازندهای ادواری سختگیرانه اما منصفانه، به مالکانی که مجتمع خویش را به شکل اولیه حفظ کنند امتیازهایی جرینگی (نه فقط صد آفرین و کف مفصل) تعلق گیرد. در واقع یعنی بدون حرف یارانه، بخشی قابل توجه از هزینه تعمیر و نگهداری به آنها بازگردانده شود.

می‌ماند بحث بسیار دشوارتر آموزش کارکنان برای جبران صدماتی بهداشتی و بصری که خلاق به دستشویی‌های چنین مجتمعی می‌زنند. شاید تبلیغ روی دقت گریه برای امحای بقایای گوارشی‌اش بتواند تا حدی کارساز باشد. توفیق در این بخش پروژه زمان بیشتری می‌برد و از مقاطعه‌کار فرنگی کمکی بر نمی‌آید، اما باید امیدوار بود که شدنی است.

www

چه در عهد کاروانسرا و چه پس از پیدایش جاده‌های عصر جدید، استراحتگاه کنار راه در ایران همواره موضوعی برای بحث بوده است. زمانی به این سبب که نزد کسانی جالب توجه بود؛ امروز از این رو که نه تنها چنین نیست بلکه خود جاده‌ها خطرناک است. زمانی به این امکان کاروانسرا و سپس قهوه‌خانه می‌گفتند. امروز عنوان رسمی شان تأسیسات پذیرایی یا مجتمع بین‌راهی است.

سفرنامه‌های مسافران مغرب‌زمینی روزگار قدیم پر است از شرح و تفصیل جزئیات کاروانسراهای روزگار دور؛ اینکه چه می‌خوردند و چگونه شب را روز می‌کردند. با ورود اتومبیل انگار دیگر ارزش تعریف کردن ندارد که مسافر چه غذایی خورد و شب را کجا به صبح رساند.

تا اوایل دهه ۱۳۴۰، اتوبوس بین‌شهری باید مانند چهارپایان قدیم در نخستین ساعات شب بارانداز می‌کرد. سفری گاه پرماجر میان تهران و شیراز با یک شب اقامت در مسافرخانه‌ای در اصفهان، به بیان اهل تئاتر، فاصله‌گذاری می‌شد، آن هم چه فاصله‌ای. خفتن در چنان مکانهایی به همان اندازه با معیارهای زندگی امروز اقشار میان‌حال فاصله داشت که اتوبوس دماغدار بزینی در جاده خاکی با اتوبوس کولردار در آزادراه.

به برکت ابزار نوین، می‌توان از اقامت شبانه در مکانهای بد و ارزان یا جاهای نسبتاً بهتر اما بی‌سبب گران معاف ماند. واقعیت این است که کیفیت معمولاً بد و گاه افتضاح، و بهای نامعقول غذا در طول جاده‌های ایران از عواملی است که هزینه سفر هوایی را توجیه‌پذیر می‌کند.

با اتومبیلها و اتوبوسهای امروزی می‌توان نه تنها خاک نخورد بلکه با قدری تدارک، شادکامانه از مصرف غذای قهوه‌خانه تن زد. اما برآوردن برخی نیازها در همه به آسانی و به یک اندازه قابل تعویق نیست. مسافرانی ترجیح می‌دهند تا رسیدن به حداقلی از تمدن در شهر مقصد، پا به دستشویی رستوران بین‌راهی نگذارند. جفایی در حق طبیعت موجود زنده.

برای رفع این جفا، خبر می‌رسد شرکتی اسپانیایی قرار است ۱۰۰۰ مجتمع خدمات بین‌راهی، شامل سوپرمارکت و فروشگاه غذای آماده و البته دستشویی، در ایران بسازد. اظهارنظرها قابل پیش‌بینی‌اند و تا حدی انعکاس یافته‌اند: در مسابقه طراحی و اجرای مجتمعهایی به این سادگی و در این تعداد، یک شرکت خارجی را برنده شناخته‌اند.

تعجب‌کنندگان تا حدی حق دارند، از این نظر که استراحتگاه و غذاخوری کنار جاده را از آلاسکا تا استرالیا دیده‌ایم اما تاکنون نتوانسته‌ایم مکانهایی مشابه آنها بسازیم. چه بسیار رستوران بین‌راهی ایران که در اصل قرار بوده معادل رستوران مجلل شهر بزرگ باشد اما از آنجا که با طرز فکر عصر